

بررسی قواعد تسلیط و لاضرر

در تعامل پادگان‌های نظامی با املاک مجاور*

- جمال نیک‌کار^۱
- محمود امامی نمینی^۲

چکیده

اعمال حق مالکیت در حقوق ایران با ضوابط و شرایطی روبه‌روست که این شرایط را ماده ۱۳۲ قانون مدنی بیان می‌کند. بر اساس این ماده، اگر اعمال حق مالکیت به ضرر دیگری باشد باید به «قدر متعارف» و «برای رفع حاجت و یا دفع ضرر» صورت گیرد تا برای اعمال‌کننده آن مسئولیتی به بار نیاورد. امروزه مجاورت پادگان‌های نظامی با املاک مسکونی و قرار گرفتن آن‌ها در شهرها، بحثی تحت عنوان متعارف یا نامتعارف بودن تصرفات در پادگان‌ها و مسئولیت آن‌ها را مطرح کرده است. از سوی دیگر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی با مسئول ندانستن نهادهای حاکمیتی، باعث مصونیت پادگان‌ها از اقدامات زیانبارشان شده است. هدف از این پژوهش، بررسی تصرفات پادگان‌ها با توجه به قیود ماده ۱۳۲ و چگونگی حمایت قانون‌گذار از زیان‌دیدگان این تصرفات است. بررسی‌ها

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۹.

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی (نویسنده مسئول) (jamalnikkar@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه علامه محدث نوری (m.emaminamini@gmail.com).

نشان می‌دهد با توجه به ماده ۱۳۲ و قرار گرفتن پادگان‌ها در مناطق با بافت مسکونی، تصرفات در آن‌ها نامتعارف است و پادگان‌ها باید مسئول تصرفات زیانبارشان قرار گیرند.

واژگان کلیدی: پادگان‌های نظامی، تصرفات زیانبار، نامتعارف بودن، مسئولیت مدنی و اعمال حاکمیت.

۱. مقدمه

پیروان مکتب اصالت فرد، مالکیت را حقی مطلق و انحصاری می‌دانند. اما باید توجه داشت ضرورت‌های زندگی اجتماعی و تأمین صلح عمومی باعث تحدید این حق شده است؛ به طوری که اعمال حق همیشه ممکن نیست. گاهی اعمال حق با حقوق افراد در تزاخم است و این امر باعث عدم مشروعیت آن می‌شود که ناشی از قاعده لاضرر است و تصرفات مالک در مال خویش را مشروط به عدم ایراد ضرر فاحش به دیگران می‌داند. مبانی اصولی قاعده فقهی لاضرر در قانون اساسی انعکاس یافته است؛ آنجا که اصل چهلم مقرر کرده است:

«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

قاعده تسلیط نیز یکی دیگر از قواعد مسلم فقهی است و مبنای آن حدیث مشهور نبوی «الناس مسلطون علی أموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۷۲) است. ماده ۳۰ قانون مدنی، ترجمان مبرهنی از این قاعده فقهی است: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد...». مسلم است که قاعده‌ای با چنین وسعت و گستردگی، ممکن است در برخی موارد با قاعده لاضرر مواجه شود؛ زیرا قاعده لاضرر به منظور محدود کردن اقتدارات و اختیارات مالکانه ناشی از قاعده تسلیط مقرر گردیده است. مهم‌ترین برخورد این قواعد در مواردی است که استفاده مالک و تصرف وی در ملک خود موجب اضرار به دیگری می‌شود که بسیاری از فقها در این فرض، برتری را با قاعده تسلیط دانسته و این گونه تصرفات را جایز شمرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۴۲۱: ۲/۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۳: ۲/۲۲). برخی دیگر با استناد به قاعده لاضرر،

تصرفات مالک را در این صورت جایز نمی‌دانند (حسینی سیستانی، ۱۳۸۹: ۳۲۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۹: ۲۶۶/۵؛ حیدری، ۱۴۲۷: ۳۸۳). بعضی نیز بر این عقیده‌اند که تنها در صورتی که زیان فاحش و بزرگ در میان باشد، قاعده لاضرر مقدم می‌گردد و قاعده تسلیط جاری نمی‌شود (محقق سبزواری، ۱۳۸۱: ۲۴۱). در نهایت قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ قانون مدنی این تعارض را حل نموده است:

«کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود؛ مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

بنابراین اگر تصرفات مالک در حد متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد، حکومت با قاعده تسلیط است و در صورت نبودن یکی از دو شرط مذکور، قاعده لاضرر حاکم است. بدین ترتیب قانون‌گذار با این ماده مشکلات ناشی از مجاورت املاک را حل نموده است. اما امروزه یکی از مصادیق مجاورت املاک که مشکلات فراوانی را به وجود آورده، مسئله مجاورت پادگان‌های نظامی با املاک مجاورشان است که تصرفات آن‌ها محدودیت‌هایی را برای مجاورین ایجاد نموده است. از سوی دیگر، قرارگیری حدود ۸ هزار هکتار از پادگان‌ها در داخل محدوده و ۸ هزار هکتار در داخل حریم شهرهای بیست استان کشور و مسئله تزامم حقوق حاکمیتی با حقوق مردم اهمیت این مسئله را دو چندان نموده است. البته قانون‌گذار در ۱۳۸۸/۶/۱۱ قانونی مشتمل بر هشت ماده تحت عنوان «قانون فروش و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها» تصویب نمود؛ اما تا به امروز اقدام جدی در این خصوص از سوی نیروهای مسلح صورت نگرفته و شاهد مقاومت این ارگان‌های نظامی در مقابل این قانون بوده‌ایم و این امر موجب شد مجدداً قانون‌گذار در ۱۳۹۳/۹/۱۲ مصوبه‌ای در خصوص خروج پادگان‌ها برای وزارت دفاع صادر نماید.

حال سعی ما بر آن است این محدودیت‌ها را مورد شناسایی قرار داده و آن‌ها را از لحاظ متعارف یا نامتعارف بودن بررسی کنیم تا مشخص شود در مورد تصرفات پادگان‌ها کدام قاعده حاکم است؛ تسلیط یا لاضرر؟ معیار متعارف بودن در مورد تصرفات پادگان‌های نظامی چیست؟ قانون‌گذار چگونه از زیان‌دیدگان حمایت

می‌کند؟ آیا می‌توان فعالیت پادگان‌ها را متوقف و به اصطلاح قلع ماده ضرر کرد یا اینکه زیان‌دیدگان صرفاً محق به دریافت خسارت هستند؟ و اینکه با وجود قسمت پایانی ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر کرده: «در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل می‌آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود»، آیا زیان‌های ناشی از تصرفات پادگان‌های نظامی اصولاً قابل جبران است؟

در این پژوهش، موضوع با لحاظ این نکات مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا مشخص شود آیا مقاومتی که از سوی ارگان‌های نظامی صورت گرفته، دارای توجیه حقوقی است. بدین منظور ابتدا به مفهوم ضرر و مصادیقی از تصرفات زیانبار در پادگان‌ها اشاره می‌شود، سپس به بررسی متعارف یا نامتعارف بودن این تصرفات و ضمانت اجرای آن‌ها و چگونگی حمایت قانون‌گذار در این خصوص خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم ضرر و مصادیقی از تصرفات زیانبار پادگان‌ها

ضرر خلاف نفع است و به قول برخی از نویسندگان، ضرر به معنای مکروه و ناپسند است و به نقص و کمبود در اعیان نیز ضرر گفته می‌شود. تشخیص نفع و ضرر با عرف است و در هر مورد باید به عرف مراجعه شود و آنچه عرف تشخیص می‌دهد مورد حکم شرعی قرار گیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۴). برخی از فقها با بدیهی دانستن مفهوم ضرر در نزد عرف، هر گونه تعریف از این واژه را تعریف لفظی و غیر واقعی دانسته و آن را چنین تعریف می‌کنند:

«ضرر عبارت است از نقصی که بر مال یا هر چیز دیگری که درباره بعدی از ابعاد وجود شخص بوده و موجودیت دارد و یا مقتضی آن محقق باشد، وارد آید» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۳: ۲۱۴/۱).

مرحوم نائینی نیز در این خصوص بیان می‌کند:

«ضرر عبارت است از فوت آنچه انسان واجد آن است؛ خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح» (نجفی خوانساری، ۱۴۲۱: ۳/۳۷۸).

با توجه در نظریات فقها معلوم می‌شود که در فقه امامیه هر نقصانی را در مورد مال

یا عرض یا جان فرد دیگر ضرر می‌شمارند. در مورد مال هم بین اینکه عین باشد یا منفعت تفاوتی قائل نیستند. بنابراین در جمع‌بندی اقوال متعدد فقها و حقوق‌دانان در تعریف ضرر می‌توان به این نتیجه رسید: ضرر یا زیان در مورد اموال عبارت است از هرگونه لطمه، نقص، عیب، کسر قیمت یا تلف؛ اعم از جزئی یا کلی و اعم از آنکه در مورد عین باشد یا منفعت. در مورد اشخاص، هر نوع آزار و لطمه‌ای که به جسم یا روان (اعم از آزادی و شخصیت) انسان وارد می‌شود، ضرر محسوب است.

حال با توجه به عام بودن لفظ ضرر در ماده ۱۳۲ قانون مدنی، شاید این تصور به وجود آید که ضرر به معنای عام آن مورد نظر بوده است و شامل هر ضرری هرچند اندک که ضرر بر آن صدق کند، می‌شود. اما باید توجه داشت دنیای مادی و اجتماعی دارای محدودیت‌هایی است که باید با آن‌ها کنار آمد. از ویژگی‌های زندگی اجتماعی و مادی این است که باید برخی یا خیلی از ضررها را که از جانب کسی وارد می‌شود، مجاز بدانیم؛ مانند ورود گاز و دود و صدای ناشی از خودروها. اگر قرار باشد اعمال حق به ضرر دیگران به عبارتی تنها با معیار ضرر، متوقف و غیر مجاز تلقی شود، به صورت کلی حدود و گستره اعمال حقوق بیش از اندازه محدود می‌شود و این تهدیدی برای زندگی اجتماعی و آزادی افراد است. بنابراین نباید لفظ «ضرر» در ماده ۱۳۲ را ضرر به معنای عام دانست؛ زیرا برخی از ضررها لازمه زندگی اجتماعی است و عرف به دیده اغماض از آن‌ها می‌گذرد و متعارف زندگی جمعی است. پس مقصود از ضرر در ماده ۱۳۲، ضررهای غیر قابل مسامحه و زیان‌های فاحش است که از جمله این زیان‌های فاحش در پادگان‌ها که محدودیت‌هایی را برای مجاورین ایجاد کرده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- سروصدای زیاد و ناهنجار ناشی از شلیک اسلحه در میدان تیر پادگان‌ها و صدای ناشی از انجام مراسم صبحگاه که هر روزه در میدان صبحگاه پادگان‌ها صورت می‌گیرد.

- وجود میدان تیر در هر پادگان و خطرات ناشی از آن که می‌تواند خطر برخورد گلوله و مجروح شدن اشخاص را به دنبال داشته باشد.

- خطر انفجار زاغه مهمات در هر پادگان.^۱
- اخلال در امواج رادیویی.
- کاهش رغبت افراد برای خرید املاک و سکونت در آن منطقه.
- تأثیرات نامطلوب روانی تجهیزات و سیم‌های خاردار و برجک‌های نظامی بر افراد به ویژه کودکان و تأثیرات منفی بر زیبایی مناطق شهری.

۳. متعارف بودن

در تشخیص متعارف بودن، عواملی چند دخالت دارد که بارزترین آن‌ها عرف و عادت است. صرف نظر از اشتقاق لغوی عرف و متعارف از ریشه واحد، اصولاً همچون هر امر موضوعی دیگری، عرف مرجع اساسی در تشخیص تصرف متعارف است. دادگاه در داوری خود، به زمان و مکان ملک توجه خواهد کرد. آنچه که در زمان و مکان خاص، متعارف محسوب می‌شود، ممکن است در زمان و مکان دیگری نامتعارف محسوب شود. علاوه بر عرف، عوامل دیگری همچون موقعیت جغرافیایی و وضعیت املاک نسبت به یکدیگر و نحوه استفاده از ملک نیز در تشخیص متعارف یا نامتعارف بودن تصرف مؤثر است. برای تشریح عبارت «حد متعارف» باید ابتدا ببینیم خود عرف به چه معناست و بعد به توصیف حد متعارف پردازیم.

۳-۱. عرف

عرف در لغت به معانی معروفیت، نیکویی بخشش، و آنچه که در میان مردم معمول و متداول است، می‌باشد (معین، ۱۳۸۸: ۱۰۰۰). برخی از علما عرف را روشی در گفتار یا کردار یا ترک آن دو، که در بین مردم شناخته شده است و بر طبق آن مشی می‌کنند، می‌دانند (واسعی، ۱۳۷۹: ۴۶).

کاپیتان معتقد است:

«عرف عبارت از رسمی است که افراد در رابطه حقوقی آن را پذیرفته‌اند و در نتیجه

۱. از مصادیق این مسئله می‌توان به وقوع دو انفجار مهیب در انبار مهمات پادگان سپاه در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ در نزدیکی بیدگنه (ملارد) در غرب تهران، انفجار انبار مهمات تیپ ۲۹۲ زرهی دزفول در ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ و انفجار در انبار مهمات پادگان امام علی (ع) استان لرستان که در ۲۰ مهر ۱۳۸۹ روی داد، اشاره کرد.

آن را به صورت قاعده حقوقی الزام‌آور تلقی می‌کنند» (کولن و کاپیتان: ۱۸۲/۱، به نقل از: سلجوقی، ۱۳۸۸: ۵۰).

به موجب این تعریف، برای آنکه رسمی تبدیل به عرف گردد، باید واجد دو خصیصه باشد: اول آنکه واجد عمومیت و دوام باشد؛ بدین معنا که تا آنجا که ممکن است اکثریت افرادی که در قلمرو آن زندگی می‌کنند، از آن متابعت نمایند و در حد معمول دوام یافته باشد و دوم آنکه به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور شناخته شود. عرفی که بر یک واقعه حاکم می‌شود باید قبل از آن واقعه به وجود آید و از طرف شخص صلاحیت‌دار، تصریحی بر خلاف اقتضای آن عرف نشده باشد، والا اعتباری به عرف مزبور نیست. بنابراین عرفی باید مستند حکم باشد که از طرف شارع رد نشده باشد و برآمده از عقل و نیازهای معقول جامعه باشد و هر طبع سلیمی آن را پذیرا باشد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند:

«عرف صحیح، راه و روشی است که در میان مردم و در نفوس آن، در پرتوی راهنمایی عقل و اندیشه استقرار پیدا می‌کند و رایج می‌گردد و طبایع مردم آن را می‌پذیرد و با قانون شرع، مخالفتی نداشته باشد و مصلحتی را از بین نبرد و مفسده‌ای ایجاد نکند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

۲-۳. تصرف در حد متعارف

معیار اندازه عرفی تصرف، رفتار انسانی متعارف در شرایط مالک، و تجاوز از آن تقصیر است. مالک نمی‌تواند از ورود گاز و دود و امثال آن‌ها از املاک مجاور به ملک خود که ضرری ندارد یا ضرر آن بی‌اهمیت است، جلوگیری کند. حتی اگر ضرر مهم باشد، اما ناشی از استعمال ملک به طور متعارف باشد، نمی‌توان مانع شد؛ مانند روشن کردن اتومبیل که صدای آن در خانه همسایه می‌پیچد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۲۴؛ امامی، ۱۳۸۳: ۳۹۲/۱). اما اگر ضررهایی است که با دیگر ضررها قابل مسامحه نیست، می‌توان مانع انجام آن‌ها شد؛ زیرا چنین اعمال حق‌هایی خارج از حد متعارف است.

در جمع این قید و ماده ۳۰ قانون مدنی باید گفت که هر کس باید حق خود را به شیوه متعارف اجرا کند و تجاوز از رفتار انسانی متعارف و معقول، تقصیر محسوب می‌شود و ضمان‌آور است. به بیان دیگر، در مقام اجرای حق نیز شخص ممکن است

مرتکب تقصیر شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۰۹). بدین ترتیب اگر مالکی بدون داشتن نفع مشروع و به قصد آزار همسایه، مثلاً دودکش مرکز حرارت خانه خود را بالا ببرد تا از نور خانه همسایه بکاهد، از اقدام او جلوگیری می‌شود. اما ایجاد بوی ناشی از پخت‌وپز و صدای ناشی از رفت‌وآمد با ماشین که محدودیت‌های طبیعی و متعارف زندگی شهرنشینی است، مانعی برای ذی‌حق ندارد (همان) و آنجا که ذی‌حق به هنگام تصرفات در ملک، رعایت قدر متعارف را نکنند و به منظور دفع ضرر از خود موجب ضرر دیگری شود نیز از حق خود سوءاستفاده کرده و مرتکب تقصیر در اجرای حق شده است. همچنین تصرفات لغو و بیهوده که هیچ نفعی برای مالک نداشته و هیچ ضرری را از او رفع نمی‌کند و یا رفع حاجتی ناچیز از مالک کند، عرفاً به معنای تصرفات مورد نیاز و ضروری محسوب نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۴۰: ۴۶/۱).

در نتیجه، تصرف در حد متعارف تصرفی است که از رفتاری که برای حفظ حقوق دیگران (مجاورین) لازم است، انحراف و تجاوز نداشته باشد. تشخیص انحراف یا عدم انحراف نیز با توجه به نظر اجتماع، عرف محل و منطقه‌ای که ملک در آن واقع شده است و سایر تصرفات منطقه صورت می‌گیرد. بنابراین باید به عرف رجوع شود و بررسی شود که در عرف آن منطقه‌ای که ملک مورد تصرف در آن واقع است، چنین تصرفاتی مرئی و مجراست یا خیر. در حقیقت، موقعیت جغرافیایی که ملک در آن واقع است و نوع استعمال و تصرفی که در آن می‌شود، دو عامل اصلی در تشخیص متعارف یا نامتعارف بودن تصرفات است. برای مثال، نگهداری گوسفند یا گاو در یک محیط روستایی متعارف محسوب می‌شود، اما در مناطق شهری نامتعارف خواهد بود، یا در صورتی که همه مغازه‌های واقع در یک خیابان به عنوان دفاتر تجاری یا اداری یا جواهرفروشی مورد استفاده قرار گیرد، حال یکی از مالکین، مغازه‌ای را که در آن خیابان دارد، به آهنگری یا زغال‌فروشی یا تعمیرگاه اتومبیل اختصاص دهد، تصرف وی غیر متعارف است. در مورد املاک و پادگان‌های نظامی هم همین امر صادق است و با توجه به قرارگیری اکثر پادگان‌ها در مناطق شهری و حریم شهرها، تصرفاتی که در آنها می‌شود زیانبار بوده و با تصرفات معمول و مرسوم در مناطق شهری هماهنگی ندارد و غیر متعارف است؛ زیرا املاکی که در مجاورت این پادگان‌ها قرار گرفته‌اند، اکثراً

به‌عنوان املاک مسکونی یا تجاری مورد استفاده می‌باشند و سروصدایی را که از فعالیت نظامی در این پادگان‌ها ایجاد می‌شود، نمی‌توان ضرر بی‌اهمیت و قابل مسامحه دانست؛ زیرا بسیار شدید، هولناک و غیر قابل مقایسه با سروصدای متعارف مناطق شهری و مسکونی است. بر اساس استاندارد زیست‌محیطی کشورمان که توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام گردیده، حداکثر تراز استاندارد آلودگی صدا برای مناطق مسکونی ۵۵ دسی‌بل است و در طول عملیات اجرایی این مقدار امکان افزایش تا ۵ دسی‌بل بالاتر را داراست؛ یعنی حداکثر تراز مجاز و متعارف آلودگی صوتی در مناطق مسکونی ۶۰ دسی‌بل است (میراحمدیان و باباخانی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). این در حالی است که صدایی که از عملیات پادگان‌ها ایجاد می‌شود، خیلی بیشتر این مقدار متعارف خواهد بود. همچنین تصرفاتی که در این پادگان‌ها می‌شود، به نوعی با جان افراد و مالکین مجاور در تقابل است و خطر صدمه و آسیب و حتی مرگ در هر لحظه، مالکین مجاور را تهدید می‌کند؛ زیرا به واسطه ویژگی نظامی بودن وجود انبار و زاغه مهمات و در پادگان‌ها امری ضروری و امکان انفجار این زاغه‌ها نیز بدیهی است.

از سوی دیگر، وضعیت قرارگیری پادگان‌ها با مقررات منطقه‌بندی شهری^۱ هماهنگی ندارد. منطقه‌بندی به تقسیم یک شهر به مناطق یا نواحی گوناگونی، طبق کاربری‌های بالفعل (موجود) و بالقوه (آتی) مستغلات و املاک شهری، به منظور نظارت و جهت دادن به شیوه‌های توسعه کاربری‌ها در اراضی و مستغلات اطلاق می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۵۶/۲). مقررات منطقه‌بندی در ایجاد بخش‌های مسکونی، تجاری، صنعتی، شهری، تشکیلاتی و هدایت این بخش‌ها نقش بسزایی دارد و در بیشتر کشورهای جهان همانند انگلستان، آمریکا، روسیه، ژاپن، سوئد، فرانسه و... عملی شده است. در واقع، در منطقه‌بندی نواحی متفاوت شهر برای اهداف خاصی از یکدیگر جدا می‌شوند؛ فرضاً در تعیین مناطق مسکونی عوامل متنوعی همانند نزدیکی به بازارها، آزادی از سروصدا و آلودگی و... مورد توجه قرار می‌گیرد و صنایع مزاحم و آلوده (نواحی صنعتی و نظامی) در فواصل دورتری نسبت به نواحی مسکونی استقرار

1. Zoning.

می‌بایند تا هم مسائل آلوده کننده رعایت شود و هم به تأثیر آلودگی صوتی بر سلامت شهروندان توجه شده باشد (زیاری، ۱۳۸۸: ۶۵). این در حالی است که وضعیت قرارگیری پادگان‌ها بیانگر عدم توجه به این مقررات است؛ زیرا پادگان‌ها به علت قرارگیری در مناطق شهری و شهرک‌ها و نوع تصرفات و اقدامات خاصی که در آن صورت می‌گیرد، موجب ایجاد آلودگی صوتی و صداهای ناهنجار در منطقه و زیان‌های اجتناب‌ناپذیر بسیاری برای مجاورین هستند که سلامتی جسمی و روحی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع، این مسئله (قرارگیری پادگان‌ها در مناطق شهری و حریم شهرها)، نه تنها با هدف منطقه‌بندی که استفاده نظام‌مند و منطقی از اراضی شهری است، منافات دارد، بلکه با معیارهای تعیین کاربری‌های شهری (سازگاری، آسایش، کارایی، مطلوبیت و سلامتی) نیز ناهماهنگ است؛ زیرا قرارگیری پادگان‌ها به عنوان یک کاربری ناسازگار در مناطق مسکونی بر خلاف معیار سازگاری است و این امر نه تنها چشم‌انداز نامناسبی را در مناطق مسکونی و شهری ایجاد می‌کند، بلکه باعث ایجاد صداهای نامتعارف در مناطق مسکونی و سلب آرامش روانی افراد نیز می‌شود. در نتیجه، قرار گرفتن پادگان‌ها در شهر و حریم شهر نامتعارف بوده و با توجه به پیش‌بینی قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ قابل پذیرش نمی‌باشد. البته عده‌ای از حقوق‌دانان به طوری که ذیلاً بیان می‌شود، این تصرفات را متعارف بیان کرده و به سبق تملک و استفاده و اذن مقام اداری استناد نموده‌اند.

۳-۲-۱. اثر سبق تملک و استفاده

سبق تملک و استفاده زمانی مطرح می‌شود که مالک مدتی از ملک خود استفاده خاصی کند و متعاقباً همسایه جدید او از این استفاده متضرر شود، اما آیا همسایه جدید، حق اعتراض به استفاده زیانبار مالک را دارد یا خیر؟ عده‌ای با استناد به قاعده اقدام به این سؤال پاسخ منفی داده و گفته‌اند:

«این ضرر نامشروع نیست؛ زیرا این ضرری است که همسایه جدید، خود به آن تن داده است؛ مثلاً کسی که در مجاورت کارخانه‌ای، منزل مسکونی احداث می‌کند، چون همسایه جدید به ضرر خود اقدام کرده است، حق اعتراض به مالک کارخانه را ندارد» (جمال، ۱۹۸۷: ۶۸).

در خصوص پادگان‌های نظامی نیز عده‌ای با تکیه بر این استدلال بیان داشته‌اند زمانی که پادگان‌ها ایجاد شدند، املاک مجاور خالی از سکنه بوده و این همسایگان جدید بوده‌اند که با وجود پادگان در آن مکان اقدام به ساخت خانه در اطراف آن‌ها نموده‌اند و به گونه‌ای خود به این ضرر تن داده‌اند و بر مبنای قاعده اقدام، حق اعتراض به این پادگان‌ها و تصرفاتشان را ندارند.

در پاسخ باید گفت که استناد به استفاده سابق، زمانی امکان‌پذیر است که همگانی باشد؛ به این معنا که همگان و نه صرفاً عده‌ای از مالکان، خود چنین استفاده‌ای بکنند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۴)؛ به گونه‌ای که این استفاده همگانی باعث تعیین بافت منطقه و صنعتی یا مسکونی یا نظامی شمردن آن گردد؛ برای مثال دایر کردن چند کارگاه صنعتی در یک منطقه مسکونی باعث نمی‌شود که بتوان آن منطقه را صنعتی دانست و صاحبان چنین کارگاه‌هایی نمی‌توانند به استفاده سابق خود در مقابل همسایگان استناد کنند. حال با توجه به اینکه امروزه پادگان‌ها در شهرها و حریم شهرها قرار گرفته‌اند و استفاده همگانی مجاورین اغلب به صورت مسکونی است، دیگر سبق تملک و استفاده نمی‌تواند توجیهی برای تصرفات زیانبار در پادگان‌ها باشد. اما اگر پادگانی در منطقه‌ای واقع باشد که چندین مرکز نظامی دیگر نیز در آنجا وجود داشته باشد، به گونه‌ای که گفته شود منطقه با بافت نظامی است، دیگر حقی برای اعتراض مجاورین ایجاد نمی‌شود و سابقه تملک می‌تواند توجیه‌کننده تصرفات پادگان‌ها باشد.

۲-۲-۳. اثر اذن مقام اداری

استفاده مالک از ملک خویش ممکن است با کسب مجوز از مراجع اداری و دولتی همراه باشد؛ مانند آنچه که در مورد اشتغال به صنایع مزاحم یا کارخانه‌ها یا مراکز نظامی معمول است. با وجود این، این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که با توجه به آنکه تصرفات زیانبار پادگان‌ها از جمله فعالیت‌هایی است که به اذن مقام‌های اداری دولت صورت می‌پذیرد و پادگان‌ها به اذن دولت به آن اقدام نموده‌اند، آیا مجاورین زیان‌دیده می‌توانند به استناد ماده ۱۳۲ قانون مدنی و به این عنوان که اقدام پادگان‌ها مخالف با استفاده در محل مسکونی است، از حقوق خود دفاع کنند؟ در این خصوص

اختلاف نظر وجود دارد.

کولن و کاپیتان و لامور اندیر معتقدند اجازه مقام اداری، وصف نامتعارف را از بین می‌برد و متصرف را از مسئولیت بری می‌سازد؛ زیرا اقدامات او مطابق قانون و مقررات بوده است. در مقابل، الکس ویل معتقد است هرچند اجازه مقام اداری مانع مسئولیت مالک نیست و فعل نامشروع او را مباح نمی‌سازد، با این حال نمی‌توان مالک را از تصرف مضر ممنوع دانست؛ زیرا این امر مستلزم ابطال تصمیم مقام اداری توسط مقام قضایی و تجاوز به اصل اساسی استقلال قواست و این اختیار دادگاه منحصر به محکوم کردن مالک به پرداخت غرامت ناشی از تصرف نامتعارف است. مازو و شاباس معتقدند: اذن مقام اداری ناظر به امکان اقدام، قطع نظر از عوارض خارجی آن است و اضرار به همسایه را مباح نمی‌کند. به بیان دیگر هر گونه اذنی مقید به رعایت حقوق اشخاص ثالث است و اذن قانون‌گذار مجوز بی‌احتیاطی نیست (به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۵). به نظر می‌رسد در بین این نظرات، دو نظر اول درست نیست؛ زیرا اذن مقام اداری به هیچ وجه ناظر به حقوق خصوصی اشخاص نیست و منافاتی با آن ندارد و مقام اداری این مجوز را با لحاظ حقوق آن صادر می‌کند و دادگاه نیز در صدور حکم به رفع ضرر، صلاحیت اختصاصی خود را مستقل از تصمیم مراجع اداری اعمال می‌کند (سنهوری، ۱۹۶۸: ۷۰۹/۸). پس با توجه به این نقد، برتری نظر سوم آشکار می‌شود و اذن مقام اداری به هیچ وجه مانع مسئولیت پادگان‌ها نسبت به ضررهای همسایگان نخواهد بود؛ زیرا هدف از الزامی کردن کسب مجوز، تضمین رعایت ضوابطی است که قانون برای پرداختن به برخی مشاغل ضروری می‌داند و کسب این قبیل مجوزها تأثیری بر حقوق همسایگان زیان‌دیده ندارد. بنابراین تصمیم‌های اداری نمی‌تواند به حقوق خصوصی اشخاص صدمه بزند و دادگاه را از اجرای درست قانون و عدالت بازدارد. از سوی دیگر باید گفت در زمان ایجاد پادگان‌ها آن مناطق، خالی از سکنه بوده و قانون‌گذار با توجه به وضعیت املاک مجاور و خالی از سکنه بودن منطقه، این اذن را داده است. بنابراین تصرفات پادگان‌ها زیانی برای مجاوران نداشت، اما با پیشرفت و گسترش شهرها و شهرک‌ها وضع به کلی تغییر پیدا کرد و شاهد آن هستیم که در اطراف پادگان‌ها املاک مسکونی افراد قرار گرفته است و با توجه به این مسئله

دیگر نمی‌توان تصرف پادگان‌ها را متعارف دانست. مصداق بارز این امر کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی است که پیشرفت شهرها باعث قرار گرفتن این تأسیسات در مناطق مسکونی شده است، اما شاهد آن هستیم که اذن مقام اداری و حتی سبق تصرف نمی‌تواند توجیهی برای تصرفات زیانبارشان باشد.

۴. ضمانت اجرای تصرفات زیانبار

بر اساس دلایلی که بیان شد، قرار گرفتن پادگان‌ها در شهرها و در مناطق مسکونی، تصرفاتی که در آن‌ها صورت می‌گیرد، غیر متعارف بوده و به غیر حق است. به عبارت دیگر، پادگان‌ها با عدم رعایت ضوابط عرفی در مقام اجرای حق مالکیت خود مرتکب تقصیر می‌شوند. اما پرسشی که مطرح می‌شود آن است که به چه نحوی باید از حق زیان‌دیدگان حمایت کرد؟ آیا می‌توان فعالیت پادگان‌ها را متوقف و به اصطلاح قلع ماده ضرر کرد یا اینکه زیان‌دیدگان صرفاً محق به دریافت خسارت هستند؟ در این زمینه دو نظریه تحت عنوان حمایت از حق با قاعده اموال^۱ یا قاعده مسئولیت^۲ مطرح است. هرگاه حق با قاعده اموال مورد حمایت قرار گیرد، در صورت نقض آن، با درخواست زیان‌دیدگان، فعالیت زیان‌زننده متوقف می‌شود و در صورتی که وی بخواهد به فعالیتش ادامه دهد، باید با زیان‌دیدگان توافق کرده، رضایتشان را برای ادامه فعالیت خود تحصیل کند. در واقع، قاعده اموال، حقی مطلق و انحصاری به دارنده اعطا می‌کند که فقط در صورتی که خودش مایل باشد، می‌تواند آن را به دیگری منتقل سازد یا تصمیم دیگری در خصوص آن اتخاذ کند. بر خلاف قاعده اموال، به موجب قاعده مسئولیت، فعالیت زیان‌زننده متوقف نمی‌شود، بلکه صرفاً مکلف می‌گردد خسارت زیان‌دیدگان را پرداخت کند و برای ادامه فعالیت خود، به تحصیل رضایت آنان نیاز ندارد. بدین ترتیب مادامی که زیان‌زننده حاضر باشد ارزشی را که اشخاص بی‌طرف تعیین می‌کنند به زیان‌دیدگان بپردازد، می‌تواند به فعالیت زیانبار خود ادامه دهد (Shavell & Louis, 1996: 4). به نقل از: بابایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵).

1. Property rule.
2. Liability rule.

در واقع قاعده مسئولیت شیوه‌ای است که بر اساس آن خسارت‌زننده به پرداخت وجهی معادل خسارتی که به مالک دارایی وارد آورده، ملزم می‌شود؛ در صورتی که در روش اموال، قانون خسارت‌زننده را به انجام اقدامی خاص ملزم می‌کند یا وی را از انجام برخی اقدامات منع می‌کند (Cooter & Ulen, 1927: 106). روشن است که قانون‌گذار در قاعده مسئولیت از نوعی ابزار گذشته‌نگر استفاده می‌کند؛ زیرا در این روش، خسارت‌زننده ملزم به جبران خساراتی می‌شود که در گذشته اتفاق افتاده است. در مقابل قاعده اموال را می‌توان روشی آینده‌نگر شمرد؛ زیرا در این روش از ابزارهایی استفاده می‌شود که خسارت‌زننده را از نقض حقوق خسارت‌دیده در آینده باز می‌دارد.

ماده ۱۳۲ قانون مدنی نسبت به توقف یا عدم توقف فعالیت زیان‌زننده در صورت درخواست زیان‌دیدگان ساکت است. در این خصوص میان نویسندگان نیز اختلاف نظر وجود دارد. به نظر برخی از آنان، در مواردی که عامل زیان دست به کاری می‌زند که به طور مستمر باعث اضرار غیر می‌گردد، از بین بردن این تصرف زیانبار، بهترین راه جبران ضرر است. به بیان دیگر، از بین بردن منبع ضرر مستمر در دید عرف، نوعی جبران خسارت است؛ منتها جبران خسارت از راه برگرداندن وضع سابق، فقط نسبت به آینده مؤثر است و زیان‌های گذشته را از بین نمی‌برد. پس صدور حکم به منع تصرف زیانبار و نامتعارف، مانع از آن نیست که زیان‌دیده جبران خساراتی را که تا زمان اجرای حکم به او وارد شده، مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۸۱/۱؛ امامی، ۱۳۸۳: ۵۶/۱). به عبارت دیگر، پیشگیری از روی دادن حادثه و ورود خسارت مهم‌تر است؛ زیرا همان‌طور که در پزشکی، پیشگیری اهمیت بیشتری از درمان دارد، در امور اجتماعی و اقتصادی نیز پرهیز از خطر و دفع ضرر، مقدم بر نهاد جبران خسارت است. بنابراین بهتر است در برخی موارد، دادگاه علاوه بر جبران خسارت، از طریق صدور دستور منع خواننده از واقع شدن فعل زیانبار جلوگیری کند یا در صورت وقوع آن با از بین بردن وضعیت فعلی از ادامه اضرار ممانعت به عمل آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۷). در واقع تصرف زیانبار و نامتعارف، مصداق سوءاستفاده از حق بوده و نه تنها موجب مسئولیت مدنی متصرف است، بلکه زیان‌دیدگان می‌توانند علاوه بر جبران خسارت، از بین بردن منبع ضرر و جلوگیری از ادامه خسارات وارده را نیز از دادگاه بخواهند که رویه قضایی نیز مؤید این

نظر است (صفایی، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۵). برخی نیز با تأیید نظریات بالا و تجاوز از حق دانستن تصرفات زیانبار و نامتعارف، معتقدند که رابطه عمل متجاوز از حق با زیان وارده بر مجاورین ممکن است از مصادیق اتلاف و تسبیب باشد که در این صورت زیان‌زننده مسئول خسارات وارده بر زیان‌دیدگان است. اما اگر عمل متجاوز، مانع استیفای حق به وسیله دارنده حق گردد و استمرار داشته باشد، در این صورت مطابق ماده ۱۰۶ قانون مدنی، عمل مزبور ممنوع و فاعل آن عمل موظف به جبران خسارت وارد به مالک حق خواهد بود (شهیدی، ۱۳۸۰: ۵۷).

اما برخی دیگر با نظرات ابرازی مخالفت کرده و معتقدند در حقوق ایران، اختیار صدور حکم جلوگیری از ادامه فعالیت زیانبار جز در موارد خاص (نظیر ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی در رفع مزاحمت و ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲)، به مراجع قضایی تفویض نشده است. در نتیجه تا زمانی که با تدوین قانون خاص، این مشکل رفع نشود، متضرر از تجاوز از حق، جز در مستثنیات مذکور بدو باید ضرر ناشی از تجاوز از حق را تحمل کند و سپس با تقدیم دادخواست حقوقی، جبران خسارت وارده را مطالبه کند و به منظور نیل به جبران خسارتی که در نتیجه عمل تجاوز از حق، به صورت متناوب به او وارد می‌شود، به صورت پیاپی این کار باید توسط او تکرار گردد (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۲۲۲). به این ترتیب بر مبنای این نظر، از حق زیان‌دیدگان با قاعده مسئولیت حمایت می‌شود و زیان‌دیدگان با وقوع ضرر، می‌توانند آن را از زیان‌زننده مطالبه کنند، بدون اینکه بتوانند بر مبنای قاعده اموال که گاهی نتایج نامطلوبی دارد، فعالیت او را متوقف سازند.

حال با توجه به آنکه ماده ۱۳۲ در خصوص توقف یا عدم توقف فعالیت زیانبار نامتعارف حکمی ندارد، کدام یک از این نظرها را باید پذیرفت؟ به عبارت دیگر، حق زیان‌دیدگان از اعمال و تصرفات پادگان‌ها باید با قاعده اموال مورد حمایت قرار گیرد و به درخواست زیان‌دیدگان، فعالیت زیانبار پادگان‌های نظامی متوقف گردد یا قاعده مسئولیت مرجح است و زیان‌دیدگان فقط می‌توانند مطالبه غرامت کنند؟

اگرچه پذیرش نظریه مسئولیت، در مواردی که تصرفات زیانبار برای جامعه سودمند

است و ملاحظات اقتصادی اقتضا می‌کند، بهتر است، اما باید توجه داشت که در این باره ثبات حق مالکیت نیز مطرح است؛ زیرا بر مبنای قاعده مسئولیت، زیان‌زننده با اقدام خود باعث نقض حقوق زیان‌دیده می‌گردد و در صورتی که بتواند با پرداخت خسارت زیان‌دیده به فعالیتش ادامه دهد، در واقع، اجازه یافته با اراده یک‌جانبه خود، حق او را با پرداخت غرامت^۱ تملک کند. بدیهی است که این مسئله جز در موارد نادر قابل پذیرش نیست. از سوی دیگر، در ارتباط با خطرات و خسارات ناشی از اقدامات در پادگان‌ها (خسارات جانی ناشی از انفجار زاغه مهمات یا اصابت گلوله) نباید به دنبال آن بود که در صورت ورود خسارت از طریق مسئولیت مدنی آن را جبران کرد؛ زیرا خسارات ناشی از این گونه خطرات که گاه منجر به مرگ مجاورین می‌شود، در غالب موارد برگشت‌ناپذیر بوده و خسارت با پرداخت پول جبران نمی‌شود و وضع زیان‌دیده به حال طبیعی خود بازمی‌گردد. پس باید پذیرفت که در این گونه موارد، خسارات خشودکننده است نه جبران‌کننده. به عبارت دیگر، جبران خسارت بر آسیب‌های ناشی از حقوقی که ماهیت مالی ندارد و کاملاً معنوی (مانند از دست دادن نزدیکان) است، ممکن نیست و پرداخت مبلغی به زیان‌دیده تنها جهت ایجاد تعادل روانی و احساساتی زیان‌دیده صورت می‌گیرد (باریکلو، ۱۳۸۵: ۴۰). از این رو باید با از بین بردن ضرر مستمر و جلوگیری از ادامه فعل زیانبار، موجبات ارضاء خاطر یا دلجویی از زیان‌دیده را فراهم ساخت.

در نتیجه پذیرش قاعده اموال درباره تصرفات زیانبار پادگان‌ها مناسب‌تر می‌باشد؛ زیرا تصرفاتی که در پادگان‌ها صورت می‌گیرد، از جمله تصرفاتی است که به طور مستمر باعث اضرار مجاورین می‌شود و اعمال زیان به گونه‌ای نیست که پس از مدت کوتاهی خاتمه یابد و در هر لحظه امکان خسارات جانی، مجاورین را تهدید می‌کند. همچنین اقدامات و تصرفات در پادگان‌ها مانع استیفای مطلوب حق مالکیت مجاورین از املاکشان می‌شود. بنابراین با این اوصاف، اگر از ادامه فعالیت زیانبار پادگان‌هایی که در مناطق مسکونی قرار دارند، جلوگیری شود، از حقوق افراد و مجاورین بهتر حمایت

1. Compensation.

می‌شود؛ زیرا با توقف فعالیت هم امکان زیان در آینده از بین رفته و امکان استیفای املاک مجاور فراهم می‌شود و هم با پرداخت غرامت، خسارات گذشته جبران می‌شود. از سوی دیگر، هدف مسئولیت مدنی نیز بهتر تأمین خواهد شد؛ زیرا بر خلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود، جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول، تنها هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده نیست، بلکه جبران و جلوگیری از ورود خسارت در آینده و رفع تجاوز نسبت به حقوق خواهان نیز یکی از هدف‌های مسلم مسئولیت مدنی است (همان: ۴۰-۴۱) و اشخاص حق دارند از دادگاه درخواست کنند تا از اقدامات خلاف قانونی که آنان را در معرض خطر قریب‌الوقوع تحمل خسارت غیر قانونی قرار داده است، جلوگیری شود (Le Tourneau, 1989: 508). به نقل از: بادینی، ۱۳۸۳: ۶۴).

اما پرسش اینجاست که آیا مطالبه غرامت از پادگان‌های نظامی به عنوان یکی از ارگان‌ها و نهادهای دولتی که وظیفه خاص و ویژه ایجاد آمادگی دفاعی را بر عهده دارد، امکان‌پذیر است؟ آیا با پیش‌بینی‌ای که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در خصوص عدم مسئولیت نهادهای دولتی گردیده، می‌توان مطالبه خسارت نمود؟ آیا عدم پیش‌بینی جبران خسارت در قانون فروش و انتقال پادگان‌ها تأییدی بر عدم جبران خسارات تصرفات پادگان‌هاست؟

۵. طرح مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی نهادهای کشوری و دولت به عنوان یک اصل در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون‌گذار در این ماده بین خسارات ناشی از خطای شخصی و بی‌احتیاطی کارمند و خسارات ناشی از نقص وسایل ادارات تفکیک قائل شده و در خسارت نوع اول (ناشی از خطای شخصی و بی‌احتیاطی) کارمند خطاکار و در خسارت نوع دوم (ناشی از نقص وسایل ادارات) دولت را ملزم به جبران خسارت قرار داده است. اما در قسمت پایانی ماده فوق‌الذکر با پیش‌بینی این موضوع که «در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود»، به نوعی نهادها و سازمان‌هایی را که به اعمال

حاکمیتی می‌پردازند، از قاعده کلی ابتدای ماده استثناء می‌کند. البته عمل این نهادها باید مشروط به دو شرط باشد تا بتوانند از این امتیاز بهره‌مند شوند؛ اول آنکه دولت یا نهاد دولتی در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آنکه آن عمل بنا بر ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید.

بر اساس تعاریف ارائه‌شده از سوی حقوق‌دانان، اعمال حاکمیت دولت عبارت است از:

«اعمالی هستند که در انجام آن‌ها دولت حاکم و قدرت مطلق است و به وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهد و تحکم می‌کند. به همین جهت، این اعمال از نظر حقوقی شبیه اعمال متداول بین افراد نیستند» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۳۹۲).

در واقع در اعمال حاکمیت، دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی است و تنها نفع عموم را در نظر دارد و برای اجرای وظایف خود در نقش آمر و فرمانده ظاهر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۲۴). ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ نیز به

۱. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری: «امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات، موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. از قبیل:

- الف- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
- ب- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد.
- ج- ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم.
- د- فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.
- هـ- قانون‌گذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضایی.
- و- حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.
- ز- ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.
- ح- اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.
- ط- حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.
- ی- تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.
- ک- ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی.

ل- بخشی از امور مندرج در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ این قانون نظیر موارد مذکور در اصول بیست و نهم و سی‌ام قانون اساسی که انجام آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی با تأیید هیئت وزیران امکان‌پذیر نمی‌باشد.

تعریف اعمال حاکمیت پرداخته و به طور تمثیلی اموری چون سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی نظارت در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، برقراری عدالت و تأمین اجتماعی، امور ثبتی، حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی به عنوان امور حاکمیتی بیان نموده است؛ اما بر خلاف اعمال حاکمیت، در اعمال تصدی نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود و دولت با همان شرایطی که برای افراد مقرر شده، عمل می‌کند؛ به همین جهت، اعمال مزبور از نظر حقوقی نظیر اعمال افراد عادی است (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۱۵).

بدون شک پادگان‌ها به عنوان یکی از نهادهای دولتی، هر دو شرط مذکور را دارا هستند؛ زیرا اولاً اقداماتی که در پادگان‌ها انجام می‌گیرد، با هدف ایجاد و حفظ آمادگی دفاعی جهت حفاظت از تمامیت ارضی کشور در مقابل تهاجمات بیگانگان است و این موضوع صریحاً در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به عنوان اعمال حاکمیتی بیان شده است؛ ثانیاً ایجاد آمادگی دفاعی و حفظ تمامیت ارضی از ضروریات هر نظام و کشور است؛ ثالثاً این اقدامات دارای منافع اجتماعی نیز هست، زیرا باعث امنیت در کشور و ایجاد احساس امنیت در مردم است؛ رابعاً این اعمال با اذن مقام اداری و بر طبق قانون نیز می‌باشد. بنابراین درباره اعمال و اقدامات زیانبار پادگان‌ها دولت ملزم به جبران خسارات زیان‌دیدگان نمی‌باشد، بلکه مخیر به آن است و این امر نتیجه پذیرش نظریه سنتی مسئولیت مدنی و مصون دانستن دولت از جبران خسارات ناشی از اعمال حاکمیت است.

این در حالی است که از یک سو بر اساس مبانی نظری مسئولیت مدنی و مبانی مسئولیت در حقوق اسلام (لاضرر، اتلاف و تسبیب) هیچ زیانی نباید بدون جبران باقی بماند و به محض آنکه زیان وارد شده، ناروا و قابل انتساب به فعل زیانبار شخصی باشد، آن شخص مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده است و در این فرمول کلی فرقی نمی‌کند که عامل زیان، شخص حقیقی باشد یا حقوقی؛ دولتی باشد یا غیردولتی؛ موضوع خسارت از اموال باشد یا از ابدان؛ عین باشد یا منفعت (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۷۷/۱). از سوی دیگر بر اساس قاعده احترام، تعدی و تجاوز نسبت به اموال اشخاص محکوم گردیده و در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز را مسئول و ضامن قرار داده‌اند (محقق

داماد، ۱۳۷۴: ۲/۲۱۳) و احترام مال مسلم را همانند احترام به خون وی دانسته و معتقدند همان طور که خونش نباید ریخته شود و اگر ریخته شد نباید هدر برود، مالش هم به همین صورت است (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۳۸۵). بنابراین هر گاه از نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت است. این در حالی که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی با مخیر قرار گرفتن دولت در جبران خسارات ناشی از اعمال حاکمیت، از این معیار کلی تخطی شده است و به تبع پادگان‌ها نیز به عنوان یکی از نهادهای حاکمیتی علی‌رغم تقصیر (تصرف و اقدام نامتعارف) مخیر در جبران خسارت قرار گرفته‌اند که این امر نه تنها با مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی (حمایت از زیان‌دیده) منافات دارد، بلکه با عدالت که به عنوان یکی از مهم‌تری اهداف برقراری حکومت اسلامی بیان گردیده نیز ناهماهنگ بوده و بر خلاف اصل تساوی شهروندان در برابر تکالیف عمومی است.

در حقیقت قانون‌گذار با قرار دادن یک استثناء بر نظریه تقصیر، در قسمت پایانی ماده ۱۱ زمینه را برای تضییع حقوق افراد و سوءاستفاده نهادهای حاکمیتی فراهم نموده است که این امر با توجه به گستردگی روزافزون فعالیت‌های دولت و نهادهای حاکمیتی، بسیار خطرناک بوده و نیازمند بازنگری و اصلاحاتی در این زمینه است.

۶. لزوم اصلاح ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی

طی بررسی‌هایی که دربارهٔ مسئولیت مدنی پادگان‌های نظامی در خصوص تصرفات زیانبارشان انجام شد، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نیز مورد بررسی قرار گرفت. لذا به نظر می‌رسد در این ماده ایرادات و ابهاماتی وجود دارد که بیانگر لزوم اصلاح این ماده است. از این ایرادات و ابهامات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

- **عدم مسئولیت دولت در خطای شخصی:** تفکیک بین خسارات ناشی از خطای شخصی کارمندان و نقص وسایل ادارات و مسئول قرار دادن کارمندان در خصوص خطای شخصی بسیار زیرکانه است؛ زیرا اگر در تمام موارد، دولت خود را ملزم به جبران خسارت می‌نمود، باعث می‌شد که کارمندان در انجام وظایف خود رعایت احتیاط و دقت را نکنند. اما این برخورد قانون‌گذار متضمن حمایت کافی از زیان‌دیده

نیست و نیاز به اصلاح دارد؛ زیرا درست است که هر کس باید مسئول اعمال زیانبار خود باشد، اما ممکن است شهروندان خسارت دیده، با کارمندان معسر مواجه شوند و خسارات ایشان جبران نشده باقی ماند.

- ابهام ضابطه نقص وسایل و امکانات: نقص وسایل و امکانات که به عنوان یک ضابطه برای مسئولیت دولت بیان شده، دارای ابهام است و با توجه به نبودن معیاری در این خصوص و اینکه دولت خود این ابهام را تفسیر می‌کند، نمی‌توان امید چندانی به مسئول شناختن آن داشت.

- پیروی از نظریه نادرست مسئولیت مدنی: نظریه تقسیم اعمال دولت به دو دسته حاکمیت و تصدی اولین بار به وسیله علمای حقوق اداری فرانسه مطرح شد.^۱ قانون‌گذار در این ماده نظریه سنتی را پذیرفته است؛ در صورتی که نظریه سنتی و مصونیت دولت در قبال اعمال حاکمیتی، توجیه منطقی و حقوقی ندارد و با قاعده‌های لاضرر، اتلاف و تسبیب که به عنوان مبانی مسئولیت مدنی بیان شده‌اند، منافات دارد و لازم است که خسارت شهروندان در این موارد نیز جبران شود. اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد همان گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زیانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند، در مورد اشخاص حقوقی خواه دولت یا غیر آن نیز همین گونه عمل شود. اصل وحدت احکام شخص حقیقی و شخص حقوقی که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت انعکاس یافته، مؤید همین مسئله است. به نظر می‌رسد نظریه برابری مالیاتی جایگزین مناسبی برای نظریه سنتی است؛ زیرا به موجب این نظریه در مواردی که فعالیت‌های دولت در جهت حمایت از منافع عمومی و ایجاد رفاه اجتماعی صورت گیرد و موجب خسارت به شخص یا اشخاص معینی شود، باید جبران آن میان همه مردم سرشکن شود؛ زیرا عدالت ایجاب می‌کند اشخاصی که از منافع امری بهره‌مند می‌شوند، در غرامت‌های ناشی از آن نیز مشارکت داشته باشند. لذا همان طور که دولت به نمایندگی از مردم فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد، باید به نمایندگی از مردم نیز خسارات ناشی از آن فعالیت‌ها را جبران کند.

۱. در حقوق فرانسه نخستین بار هانری دوپانزی به این تقسیم‌بندی اشاره کرد، ولی کسی که باعث اشتها این نظریه شد، لافریر استاد حقوق اداری دانشگاه پاریس در نیمه دوم قرن نوزدهم بود.

- عدم توجه به هدف مسئولیت مدنی و مغایرت با مبانی مسئولیت: «هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده و تسلی خاطر وی، مجازات خطاکار و بازداشتن فاعل و دیگران از ارتکاب مجدد فعل زیانبار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاص در جامعه است» (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲۰). امروزه جبران خسارت زیان‌دیده یکی از مهم‌ترین هدف‌های مسئولیت مدنی است. حتی بعضی از حقوق‌دانان آن را تنها هدف قابل توجه این شاخه از حقوق خصوصی دانسته‌اند. رپر در این زمینه نوشته است:

«... مسئله مسئولیت چیزی جز مسئله جبران خسارت نیست... و حقوق‌کنونی تمایل به آن دارد تا اندیشه جبران خسارت را جایگزین اندیشه مسئولیت کند» (Riper, 1948: 22; به نقل از: بادینی، ۱۳۸۳: ۶۴).

اما قانون‌گذار با مخیر قرار دادن دولت در جبران خسارات ناشی از اعمال حاکمیت، یکی از مهم‌ترین اهداف مسئولیت مدنی (جبران خسارت زیان‌دیده) را نادیده گرفته است. همچنین این اقدام قانون‌گذار (مخیر قرار دادن دولت در جبران خسارات ناشی از اعمال حاکمیت) وضع کردن حکمی است که مستلزم ضرر بوده و با مفاد قاعده لاضرر منافات دارد؛ زیرا بر اساس قاعده لاضرر، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت مطلق است و مرحله تشریح و اجرای قواعد و قوانین را شامل می‌شود.

۷. موانع و مشکلات مطروحه در اجرای طرح پادگان‌ها

ایجاد سیما و منظر شهری نامناسب، دشواری کنترل محدوده پیرامون اراضی و ایجاد امنیت در آن‌ها و محدودیت در انجام فعالیت‌های نظامی در محدوده درون شهر، سه عاملی بود که موجب شد در نیمه سال ۸۸ شیور خروج پادگان‌ها از شهر نواخته شود و موجب تصویب طرح خروج پادگان‌ها در ۱۳۸۸/۶/۱۱ و پیش‌بینی این امر گردید که پس از انتقال پادگان‌ها به خارج از حریم شهرها حداقل ۴۰ درصد از مساحت این اراضی به منظور تأمین سرانه کاربری‌های عمومی شهری مورد نیاز آن منطقه در نظر گرفته شود که اجرای آن می‌توانست اقدامی ارزشمند در کاهش مشکلات شهری و افزایش کاربری‌های عمومی باشد. اما با وجود این، تا کنون به دلیل

دو مانع «هزینه تملک اراضی» و «عدم همکاری برخی وزارتخانه‌ها در تخصیص زمین به پادگان‌ها در خارج از حریم شهرها» شاهد اجرای هدمند و قابل ملاحظه از این طرح نبوده‌ایم. برای مثال در شهر تهران فقط دو پادگان از تهران خارج شده است و این در حالی است که ۵ درصد از مساحت ۶۰۰ کیلومتر مربعی شهر تهران، تحت مالکیت انواع مراکز نظامی و پادگان‌ها قرار دارد (روزنامه *دنیای اقتصاد*، ۱۳۹۷). در حقیقت اگرچه نمایندگان در خصوص منابع مالی انتقال پادگان‌ها، مصوب کردند که منابع مورد نیاز برای خرید عرصه‌های موضوع این قانون هر ساله بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاه اجرایی مربوطه، از محل اعتبار پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی و تسهیلات اعتباری و بانکی یا فروش اوراق مشارکت تأمین شود و در مواردی که منابع حاصله، کفاف ایجاد پادگان و تأسیسات مشابه را در زمین تعیین شده نکند، دولت مکلف باشد باقی مانده اعتبار مورد نیاز را با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کند، اما همچنان مشکلات تأمین هزینه تملک اراضی و نبود بودجه لازم از یک سو و مقاومت این نهادهای حاکمیتی (پادگان‌ها) و نبود نهاد اجرایی قدرتمند در جهت اجرای مناسب آن را از سوی دیگر، می‌توان دلیل ناکامی این طرح دانست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به موجب ماده ۱۳۲ قانون مدنی کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که باعث اضرار دیگری شود؛ مگر تصرفی که متعارف بوده و برای رفع حاجت و دفع ضرر باشد. قانون‌گذار با به کار بردن واژه «کسی» در ابتدای این ماده، همه اشخاص حقیقی و حقوقی (خواه دولت و غیر آن) را مورد خطاب قرار داده است که پادگان‌ها نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشند. تصرفاتی که امروزه در پادگان‌های نظامی واقع در حریم شهرها و مناطق شهری صورت می‌گیرد، نامتعارف است؛ زیرا متعارف بودن تصرفات در املاک با توجه به عوامل گوناگون مانند زمان تصرف، مکان تصرف و بافت منطقه تعریف می‌شود، حال آنکه بافت منطقه‌ای که این پادگان‌ها در آن واقع شده‌اند، مسکونی است و تصرفات در این پادگان‌ها به واسطه ویژگی نظامی، دارای خطرات و

زیان‌های جانی برای افراد است که با تصرفات معمول در مناطق مسکونی همخوانی ندارد و نامتعارف است. سبق تملک و تصرف و اذن مقام اداری هم که از سوی برخی از حقوق‌دانان مطرح شده، بنا به دلایلی که پیشتر اشاره شد، نمی‌تواند توجیه مناسبی برای این تصرفات زیانبار باشد. قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ نسبت به ضمانت اجرای تصرفاتی که غیر متعارف است و موجب زیان همسایگان می‌شود، ساکت است که ما این سکوت را بر اساس دو نظریه اموال و مسئولیت تفسیر کردیم و با توجه به اینکه تصرفات در پادگان‌ها با جان اطرافیان در ارتباط بوده و هر لحظه خطر مرگ آن‌ها را تهدید می‌کند، به نظر می‌رسد پذیرش نظریه اموال در مورد تصرفات زیانبار پادگان‌ها مناسب‌تر باشد و با توقف اعمال زیانبار و جبران خسارت گذشته بهتر می‌توان از زیان‌دیدگان حمایت نمود. اما قانون‌گذار با پذیرش نظریه سنتی مسئولیت مدنی و تقسیم اعمال دولتی به حاکمیت و تصدی در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مسئول ندانستن دولت در مورد زیان‌های ناشی از اعمال حاکمیتی، جبران خسارات ناشی از تصرفات زیانبار در پادگان‌ها را محدود کرده و دولت را در جبران خسارت مخیر قرار داده است که این مسئله می‌تواند نتایج نامطلوبی داشته باشد؛ زیرا ممکن است از یک طرف به لجام‌گسیختگی در بهره‌جویی از قدرت بینجامد و حربه خطرناکی به دست مأموران دولت می‌سپارد تا در برابر بخش عمده‌ای از اعمال زیانبار حرفه‌ای خود مصونیت یابند و این نتیجه، چیزی جز اباحه‌اضرار به دیگران نیست؛ نتیجه‌ای که منافای با مبانی مسئولیت مدنی و قواعد مربوط به نفی ضرر است. از سوی دیگر با اختیاری دانستن جبران خسارت توسط دولت، زیان‌دیدگان در طرح دعوی درباره اعمال حاکمیت دچار نوعی سردرگمی می‌شوند. بنابراین اصلاح ماده ۱۱ در جهت حمایت از مردم، امری ضروری است و پیشنهاد می‌شود:

۱. مقاومتی که از سوی ارگان‌های نظامی در برابر طرح انتقال پادگان‌ها صورت گرفته، از نظر حقوقی هیچ توجیهی ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود هر چه سریع‌تر در جهت اجرای این طرح و انتقال پادگان‌های نظامی اقدام گردد.
۲. پیشنهاد می‌شود پس از انتقال پادگان‌ها به خارج از شهرها، در اطراف آن‌ها منطقه‌ای خالی از سکنه را به عنوان حریم قرار دهند و خود پادگان‌ها را نیز از انجام

اعمال نظامی در این حریم ممنوع سازند؛ زیرا با این اقدام از مشکلی که امروزه با آن مواجه هستیم و ممکن است در آینده با گسترش شهرها مجدداً با آن مواجه شویم، جلوگیری می‌شود.

۳. تفکیک بین خسارات ناشی از خطای شخصی و بی‌احتیاطی کارمند از خسارات ناشی از نقص وسایل ادارات از سوی قانون‌گذار، امری مناسب است؛ زیرا این امر از بی‌بندوباری کارمندان جلوگیری می‌کند و باعث دقت بیشتر در اجرای وظایف آنان می‌شود. اما در این صورت، زیان‌دیده با دو مشکل اساسی روبه‌رو شدن با کارمندان معسر و اثبات علت خسارت در دستگاه پیچیده اداری و قضایی مواجه است؛ زیرا وی در مقام مدعی است و بر عهده اوست که تقصیر کارمند یا نقص وسایل اداری را اثبات کند. در صورتی که با این کار علاوه بر ضرر وارده، تکلیف زائدی بر عهده او گذاشته می‌شود و زیان‌زننده (چه کارمند و چه دولت) فارغ از مشکلاتی که عملکردش ایجاد کرده، در روند این دعوی هیچ دغدغه‌ای ندارد و فقط منتظر نتیجه اقدامات زیان‌دیده می‌ماند. لذا با توجه به اینکه شارع مقدس و سیره عقلا تأکید بر جبران خسارت می‌نماید، پیشنهاد می‌شود مطابق قانون ۱۹۵۸ سوییس، ۱۹۵۳ یوگسلاوی سابق، دولت ابتدا خود خسارت زیان‌دیده را جبران نماید و سپس به کارمند مقصر رجوع کند.

۴. نظریه سنتی مسئولیت مدنی و تقسیم‌بندی اعمال دولتی به حاکمیت و تصدی با عدالت و قواعد مسئولیت در حقوق و فقه هماهنگی ندارد و باعث می‌شود که بسیاری از اعمال نامشروع و زیانبار دولت، ضمانت اجرای مدنی نداشته باشد و دادگاه‌ها نتوانند درباره این گونه اعمال به حمایت از حقوق فردی پردازند و مانعی در راه تجاوز به قوانین و قدرت‌نمایی‌های بی‌مورد به وجود آورند. بنابراین پیشنهاد می‌شود از این نظریه سنتی عدول کرده و مسئولیت دولت در خصوص اعمال حاکمیت به عنوان یک اصل پذیرفته شود و ماده ۱۱ به این صورت اصلاح گردد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند. اما هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و

مؤسسات مزبور باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است و در این بین نیز تفاوتی بین نهادهای حاکمیتی و تصدی‌گری نخواهد بود.

تبصره ۱: در صورت برخورد زیان‌دیده با کارمندان معسر، اداره یا نهاد دولتی مربوطه موظف است ابتدا خود خسارت زیان‌دیده را جبران کند و سپس برای مطالبه خسارت پرداختی به کارمند رجوع نماید.

تبصره ۲: قانون‌گذار موظف است ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون، ضابطه دقیقی برای تشخیص خطای شخصی از نقص وسایل ادارات ارائه نماید.»

۵. در صورت عدم پذیرش پیشنهاد فوق و پافشاری دولت بر ادامه این روند (تفکیک مسئولیت در اعمال حاکمیت و تصدی) و با توجه به ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری که بسیار کلی به تعریف اعمال حاکمیت پرداخته و ضابطه جامع و مانعی را برای شناسایی این اعمال از یکدیگر تعیین ننموده و راه را برای تفسیر موسع و سوءاستفاده دولت و فرار از مسئولیت باز گذاشته است. لذا به منظور جلوگیری از سوءاستفاده دولت پیشنهاد می‌شود ملاک و ضابطه‌ای جامع و مانع برای تعریف اعمال حاکمیت از تصدی ارائه شود و دامنه این اعمال محدودتر شود و بدین صورت اصلاح گردد: «اعمال حاکمیت اعمالی است که منفعت حاصل از آن فراگیر بوده و تمام اقشار جامعه را منتفع می‌نماید و از سوی دیگر به واسطه اهمیت و نقش اساسی که در جامعه دارند، قابلیت واگذاری به نهادهای عمومی غیر دولتی را ندارند» و «اعمال تصدی‌گری اعمالی است که نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود و دولت با همان شرایطی که برای افراد مقرر شده عمل می‌کند». بنابراین با این تعاریف، سه معیار برای اعمال حاکمیت در نظر گرفته شده است: اولاً فراگیر بودن منفعت حاصل از آن؛ ثانیاً انتفاع تمام اقشار جامعه از آن و ثالثاً عدم قابلیت واگذاری به بخش خصوصی و عمومی غیر دولتی. نوآوری این تعریف، خروج اعمال نهادهای عمومی غیر دولتی از اعمال حاکمیت می‌باشد که موجب محدود شدن دامنه‌ای این اعمال و قرارگیری آن‌ها در گروه اعمال تصدی‌گری و به تبع آن افزایش مسئولیت دولت خواهد بود.

کتاب‌شناسی

۱. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۳ ش.
۲. امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۳. بابایی، ایرج، علی طهماسبی، محمدعیسی تفرشی و مرتضی شهبازی‌نیا، «نقش ملاحظات اقتصادی در تصرفات زینبار در املاک در حقوق ایران»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره سیزدهم، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.
۴. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ش.
۵. همو، «هدف مسئولیت مدنی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران، دوره ۶۶، شماره پیاپی ۵۲۰، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۶. باریکلو، علیرضا، *مسئولیت مدنی*، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۷. بهرامی احمدی، حمید، *سوءاستفاده از حق*، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶ ش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مقدمه عمومی علم حقوق*، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳ ش.
۹. جمال، مصطفی، *نظام الملكية فی القانون اللبنانی و المقارن*، بیروت، الدار الجامعیه، ۱۹۸۷ م.
۱۰. حسینی عاملی، سیدجواد بن سیدمحمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. حسینی سیستانی، سیدعلی، *قاعده لاضرر و لاضرر*، ترجمه علی اکبر نایی‌زاده، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. حسینی شیرازی، سیدصادق، *بیان الاصول*، قم، دار الانصار، ۱۴۲۷ ق.
۱۳. زیاری، کرامت‌الله، *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. حیدری، کمال‌الدین، *قاعده لاضرر و لاضرر*، قم، دار فراق، ۱۴۲۷ ق.
۱۵. سلجوقی، محمود، *نقش عرف در حقوق مدنی ایران و مطالعه اجمالی آن در نظام‌های بزرگ حقوقی*، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. سعیدنیا، احمد، *کتاب سبزرانه‌های شهرداری‌ها (کاربری زمین شهری)*، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. سنهوری، عبدالرزاق، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۸ م.
۱۸. شهیدی، مهدی، «تجاوز از حق»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره چهارم، شماره ۱۲۹، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. صفایی، سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، چاپ چهاردهم، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. غمامی، مجید، *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود*، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. همو، *الزام‌های خارج از قرارداد*، چاپ ششم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. همو، *اموال و مالکیت*، چاپ بیست و چهارم، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. همو، *وقایع حقوقی مسئولیت مدنی*، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۲۸. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، تهران، سمت، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، *کفایة الاحکام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، قم، دار العلم، ۱۳۴۰ ش.
۳۲. موسوی بجنوردی، سید میرزاحسن، *القواعد الفقهیه*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
۳۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *کتاب‌البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. میراحمدیان، برنا و مسعود باباخانی، «مدلی برای تعیین معادل مالی هزینه‌های اجتماعی آلودگی صدا در اجرای پروژه‌های تأسیسات شهری»، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، شماره ۴، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. نجفی خوانساری، موسی بن محمد، *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۳۶. واسعی، سیدمحمد، «فقه و عرف»، *مجله قیسات*، شماره ۱۵، ۱۳۷۹ ش.
۳۷. *روزنامه دنیای اقتصاد*، «کاربری اورژانسی برای پادگان‌های پایتخت»، ۴ مهر ۱۳۹۷ ش.، قابل دسترس در: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3806782>.
38. Cooter, Robert B. & Thomas Ulen (2000), Law and Economics, Third Edition, Addison Wesley, Edwin M. Borchard, Governmental Responsibility in Tort: History and Theory, *Yale Law Journal*, Vol. XXXVI, No. 8, 1927.